

بررسی جایگاه ایزدبانو آشی در باورهای ایران باستان

نغمه حسینی¹

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات

چکیده

این مقاله به بررسی جایگاه اشی (A?i) در اندیشه‌ها و باورهای ایران باستان می‌پردازد. اشی را باید ایزدی پیش زردشتی دانست. او مینوی پاداش در دین کهن آریایی است. نام او هم در گاهان - کهن‌ترین بخش اوستا - و هم در اوستای متأخر آمده است، با این تفاوت که در گاهان، اشی بیشتر به عنوان مفهوم انتزاعی به کار رفته است و بر مفاهیمی چون سهم و قسمت دلالت می‌کند، حال آنکه در اوستای متأخر او ایزدبانوی فراوانی و برکت است و به یارانش، جلال، شکوه و نیک‌بختی می‌بخشد. نام اشی در نوشته‌های پارسی میانه به صورت «ارد» و «ارت» و با صفت ونگوهی (vaŋuhi) به معنای نیک، به صورت‌های «اشرشونگ»، «ارششونگ» و «اششونگ» آمده است. به نظر می‌رسد آیین ستایش اشی زمانی در شرق و غرب ایران رواج داشته است.

کلیدواژه‌ها: آشی، ایزدبانو، گاهان، یشت، اوستای متأخر.

تاریخ دریافت مقاله: 89/1/16

تاریخ پذیرش مقاله: 89/3/23

Email: n_hosseini۱۳۶۰@yahoo.com

مقدمه

در اساطیر ایران باستان ایزدان فراوانی وجود دارند. برخی از این ایزدان آشکارا متعلق به دین کهن آریایی هستند. بدین معنا که پیش از ظهور زردشت نیز جنبه‌ی خدایی داشته‌اند. در مقابل، درباره‌ی اصل برخی دیگر نمی‌توان به یقین اظهار نظر کرد. گروهی از ایزدان، نماد پدیده‌های طبیعی هستند، همچون ایزد تیشتر که نماد باران است. برخی مفاهیم انتزاعی هستند که شخصیت یافته‌اند مانند ایزد بهرام که نماد پیروزی است. بعضی دیگر به آیین‌های دینی مربوطند همچون ایزد آتش. زردشت در دین خود این ایزدان را نادیده گرفت و از آنان سخنی نراند چرا که او جز اهورامزدا هیچ خدایی را به عنوان خالق و نگاه‌دارنده‌ی عالم به رسمیت نمی‌شناخت. پس از زردشت اندیشه‌ها و اعتقادات کهن ایرانیان بار دیگر به آیین زردشتی راه یافتند. بدین ترتیب ایزدان دیرین ایرانی که ظاهراً مطرود زردشت بودند از نو به دین راه یافتند و دوباره به اریکه قدرت تکیه زدند. یکی از

¹ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده است. استاد راهنما: دکتر محسن ابوالقاسمی / استاد مشاور: دکتر زهره زرشناس.

ایزدانی که به صورت مادینه تصور شده است، آشی² نام دارد. از نظر ریشه‌شناسی، آشی اسم معنای اوستایی⁽¹⁾ مونثی است مشتق از ریشه ar- به همراه پسوند ti- از صورت ایرانی باستان-artai* . درباره معنای ریشه ar- میان اوستاشناسان اتفاق نظر وجود ندارد. بارتولومه³ برای این ریشه معنای «بخشیدن و عطا کردن» را پیشنهاد کرده است (Bartholomae ۱۹۷۶:۲۴۱). بیلی⁴ واژه اشی را از صورت ایرانی باستان tri* مشتق و آن را از ریشه ar- به معنای «به دست آوردن» مأخوذ می‌داند. (Baily ۱۹۷۱:۴) کلنز⁵ به ریشه ar- به معنای «به حرکت در آوردن» اندیشیده است (Kellens ۱۹۹۹:۴۵۷) و بالاخره اینسلر⁶ معنای «سزاوار بودن» را برای این ریشه پیشنهاد کرده است (Insler ۱۹۷۵:۱۳۱). بر خلاف بسیاری از ایزدان، زردشت در گاهان⁽²⁾ از اشی سخن رانده است. البته باید توجه داشت که آشی در گاهان بیشتر به عنوان مفهومی انتزاعی به کار رفته است و بر مفاهیمی چون سهم، قسمت و مُزد دلالت دارد. در اوستای متاخر آشی دیگر بار شخصیت می‌یابد و به ایزدانوی فراوانی و نیک‌بختی تبدیل می‌گردد و در یشت⁽³⁾ نسبتاً بزرگی به نام «اردیشت»⁷ مورد ستایش و نیایش قرار می‌گیرد. آشی غالباً با صفت ونگوهی⁸ همراه است به معنای «نیک». این صفت در متون پارسی میانه به واژه آشی می‌پیوندد و به صورت‌های اهرشونگ⁹، ارششونگ¹⁰ و اششونگ¹¹ به جای می‌ماند. در گاه‌شماری زردشتی بیست و پنجمین روز ماه موسوم است به آشی یعنی که پاسبانی این روز به عهده اوست. در یسن 16 بند 16 نیز آشی در ردیف ایزدان سی روز ماه یاد شده است. (پورداوود 1377: 182)

برای آشی معادل همانمی در وداها⁽⁴⁾ نمی‌توان یافت. اما برخی چون دو مزیل¹² و ویدن گرن¹³ او را با بهاگا¹⁴ مقایسه کرده‌اند. بهاگا به معنی نصیب یا بهره است. مراد بهره و نصیب از خوبی‌ها و برکت‌های دنیا است (بویس 76:1376). بهاگا یعنی کسی که نعمت و فراوانی ارزانی می‌دارد و در ریگ‌ودا، گاهی به معنی دارایی و بخت، گاهی به معنی بخش‌کننده¹⁵ و گاهی به معنی بخشنده¹⁶ آمده است. (شایگان 76:1383). ویدن گرن بر این باور است که در وداها¹⁷ ایزد میتره¹⁸ را دو ایزد به نام‌های آریامن¹⁹ «حامی آریاییان» و بهاگا «سرنوشت که تقسیم‌کننده بخت است»، احاطه کرده‌اند و در مهر یشت، میتره²⁰ را سرئوشه²¹ و آشی²² احاطه کرده‌اند که با همراهان میتره هندی مطابقت دارند. (ویدن گرن 1377: 34)

^۲. A?i

^۵. Kellens

^۷. Ard ya?t

^{۱۱}. Ar?i?vang

^{۱۳}. Widengren

^{۱۶}. Vibhaktā

^{۱۹}. Aryaman

^{۲۲}. A?i

^۲. Brtholomae

^۵. Insler

^۶. vanuhī

^۵. A?i?vang

^۸. Bhaga-

^{۱۱}. Vedas

^{۱۴}. Miora

^۳. Baily

^۳. Ahri?vang

^۶. Dumézil

^۹. Vidhartā

^{۱۲}. Mitra

^{۱۵}. Srao?a

نریوسنگ²³ دانشمند معروف پارسیان که در اواخر قرن دوازدهم میلادی به سر می‌برده در تفسیر سنسکریت یسن 1 بند 14 اشی را معادل لکشمی²⁴ دانسته است. (پورداوود 1377: 180). لکشمی ایزدبانوی خوشبختی هندو، تجسم عشق، زیبایی، باروری و ثروت است. نگاره‌های او را در هنر هندو در میان نیلوفرها نشان می‌دهند، با جامه‌ای به رنگ سرخ فرخنده و آراسته به گوهرها و آرایش شهبانویی. او غالباً به پرستندگان پول یا برکات دیگری می‌بخشد (هینلز 1386: 558). در وداها ایزدبانوان فراوانی و برکت دیگری نیز وجود دارند همچون دهیشنا²⁵ و راکا²⁶، با این وجود نمی‌توان با اطمینان کامل یکی از این ایزدان را به‌عنوان همتای اشی برگزید. آنچه مسلم است این است که اندیشه ایزدی که پاداش‌دهنده و تقسیم‌کننده ثروت و نیک‌بختی باشد در تفکر هند و ایرانی وجود داشته است و اشی موجودیتی بر آمده از این اندیشه است.

در راستای شناخت بهتر اشی، این مقاله نخست به بررسی مفهوم اشی در اندیشه‌های پیش زردشتی می‌پردازد. سپس نگرشی بر کاربرد و نقش اشی در گاهان، اوستای متاخر و نوشته‌های پارسی میانه خواهد داشت. سرانجام می‌کوشد تا با معرفی سکه‌های پارتی، سکایی و کوشانی که تصویر اشی بر آنها حک شده است برگسترش آیین او تأکید کند.

1- اشی در اندیشه‌های پیش زردشتی

برای یافتن جایگاه اشی در اندیشه‌های پیش زردشتی باید نخست به بررسی نحوه تفکر و شیوه فکری هند و ایرانیان پردازیم. به اعتقاد پروفیسور بویس²⁷، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین شیوه فکری هند و ایرانیان، انیماتیسم²⁸ یا زنده‌گرایی است. بدین معنا که آنان به وجود نیرویی فرضی و با شعور در هر پدیده‌ای حتی در ناچیزترین جلوه‌گری آن معتقد بودند و آن را مینو²⁹ می‌خواندند. آنان نه تنها برای پدیده‌های دیدنی و ملموس بلکه برای آنچه نادیدنی و غیر ملموس بود نیز مینویی را متصور بودند. همچون مینوی آشتی، مینوی پیمان و مینوی رنج. آنان کیفیات و عواطف را نیز صاحب مینو می‌پنداشتند. مانند مینوی دلوری، مینوی نشاط، مینوی رشک و همانند اینها. نه اینکه اینها را چون مجردات و یا بخش‌هایی از ساختار روانی خود انسان متصور باشند، بلکه آنها را نیروهای مستقل و فعالی می‌پنداشتند که آدمی می‌توانست به آنها التماس کند تا همراهش شوند. (بویس 1377: 81-80)

اکنون این پرسش مطرح است که در میان این مینوان اشی بر چه مفهومی دلالت داشت و مینوی کدام کیفیت بود؟ با در نظر گرفتن ریشه‌شناسی واژه، اشی را باید مینوی پاداش دانست. باید توجه داشت که در دوره کافرکیشی پیش از زردشت اشی تهی از جنبه اخلاقی است. در این دوره اشی نماینده آن‌گونه سعادت و رفاه است که هر فرد نیک‌بخت و خوش‌اقبال می‌تواند به دست آورد (بویس 1376: 85). از این رو، اشی را باید

²³. Neryosang

²⁴. Rākā

²⁵. mainyu-

²⁶. Lakṣmi

²⁷. Boyce

²⁸. A?i vaṇuḥi

²⁹. Dhiṣaṇā

³⁰. animatism

ایزدبانوی بخت و اقبال نیز دانست. در همین دوران است که او به عنوان ایزدبانوی بخت لقب «گنجور» را کسب می‌کند. (همان: 83)، لقبی که زردشت برای او استفاده می‌کند «دارایی بخشنده» است (اوستا، یسن 43 بند 12). این صفت آشکارا اصل کافری را ثابت می‌کند. اما در گات‌های اوستا⁽⁵⁾ اخلاقی اسم عام اشی مفهوم پاداش برای نیکی و کیفر برای بدی را می‌رساند. ایزدبانو نیز تجسم پاداش و سزای به حق است و نه بخت و اقبال هوسناک. در ادبیات زردشتی از او به عنوان اشی نیک³⁰ یاد می‌شود تا با مفهوم غیراخلاقی مشابه کافری تفاوت گذاشته شده باشد. (بویس 1376: 307)

2- اشی در گاهان

نام اشی نوزده بار در گاهان به کار رفته است. با بررسی کاربرد واژه اشی در گاهان می‌توان به این نتیجه رسید که این واژه، مفهومی فراتر از پاداش را منعکس می‌کند. در واقع اشی در گاهان به معنای آن چیزی است که بر مبنای عمل فرد نصیب او می‌شود، به‌ویژه در داوری واپسین (۱۹۷۶: ۲۴۱) Bartholomae). بنابراین، اشی عبارتست از سهم، قسمت و آنچه بخش می‌شود، خوب یا بد:

«همانا تو را تهم و سپند خواهم اندیشید ای مزدا زمانی که تو با آن دست آن اشی‌هایی را (= سهم‌هایی را) می‌گیری که به دُروند (بدکار) و نیز پرهیزگار خواهی داد، از طریق گرمای از راستی نیرومند آشت، هنگامی که برتری اندیشه نیک به من برسد.» (اوستا، یسن 43 بند 4)

یا

«همانا تو را سپند تشخیص می‌دهم ای اهورای دانا زمانی که تو را در زایش هستی نخستین می‌بینم، درحالی که کارها و نیز سخنان را مُزدمند تعیین می‌کنی، بدی را برای بد، اشی (= سهم) خوب را برای خوب، بنا بر فضیلت در گردش نهایی آفرینش.» (اوستا، یسن 43 بند 5)

بنابراین، اشی در گاهان هم نمایانگر پاداشی است که به پرهیزگاران تعلق می‌گیرد و هم پادافراهی (کیفر) که نصیب دروندان خواهد شد. در نتیجه دقیق‌ترین معنا برای این لغت چنان‌که هومباخ³¹ و دومزیل دریافته‌اند، بخش و سهم است. هومباخ پیوسته لفظ Anteil به معنی «سهم» را به کار می‌برد و دومزیل آن را در معنی معادل ودایی بهاگا یعنی part (سهم و بخش) (کلنز 1386: 18). اشی در حقیقت به کردار انسان بستگی دارد و هر فردی می‌تواند با اراده خویش بر او فرمان براند. (اوستا، یسن 50 بند 9)

نکته دیگر اینکه گرچه در بسیاری موارد در واژه اشی معنایی انتزاعی مندرج است، اما گاهی این مفهوم انتزاعی به مرتبه ذات موجود ارتقاء می‌یابد (همان: 17). این امر در یسن 31، بند 4 به روشنی دیده می‌شود، آنجا که می‌خوانیم:

³¹. Humbach

«هنگامی که راستی خواندنی، مزدا و نیز اهوراهای دیگر باشند همراه با آشی، آرمیتی⁽⁶⁾ و اندیشه نیک باشد که بخواهم برای خویش شهریاری نیرومند را تا با بالش آن دروغ را چیره شویم.»
همچنین در یسن 43، بند 12 واژه آشی هم به صورت اسم مجرد به کار رفته است و هم به صورت نام ایزدی که نماینده پادشاه و سزاست:

• و زمانی که به من می‌گویی: با بینش به راستی می‌رسی، آن‌گاه تو به من فرمان می‌دهی که نباید نافرمان شوم. بگذار برخیزم پیش از آنکه سهم خوب فرمانبرداری به من برسد همراه با آشی دارایی بخشنده که آشی‌ها را (سهم‌ها) بنابر میزان در تعیین سود تقسیم خواهد کرد. (پورداود 1377: 181)

3- آشی در اوستای متأخر

پس از زردشت، و شاید در همان زمان او، بسیاری از عقاید قدیم ایرانی و هند و ایرانی که در نیایش‌ها و آیین‌های دینی خدایان قدیم منعکس بود، همراه با اسطوره‌ها و افسانه‌های این خدایان یا آیین‌های دینی پیش از زردشت با عقاید پیامبر در آمیخت و از آن متون اوستایی متأخر حاصل شد (تفضلی 1376: 39). یشت‌ها بخشی از اوستای متأخر را تشکیل می‌دهند، یشت‌های کهن هر چند از نظر زبان متأخرتر از گاهان هستند، ولی عقاید و باورهایی را می‌نمایانند که به دوران کهن‌تر از گاهان تعلق دارد. یشت هفدهم - اردیشت - که یکی از کهن‌ترین یشتهاست، در ستایش آشی سروده شده است. درباره تاریخ تألیف این یشت نمی‌توان به قطعیت اظهار نظر کرد. کریستن سن³² پس از بررسی و تحلیل مطالب یشت‌های بزرگ به این نتیجه رسیده است که اردیشت در دوره هخامنشیان و احتمالاً قرن چهارم پ.م تدوین شده است. (کریستن سن 1382: 84)

در این یشت آشی شخصیت می‌یابد و به ایزدبانوی فراوانی، برکت، بخت و اقبال تبدیل می‌شود. او ایزدبانویی زیبا، خوش اندام، سودبخش، دارای قدرت درمان و خردمند است و بر گردونه‌ای پر سر و صدا سوار است. آشی در این یشت دورنمایی اسطوره‌ای دارد:

• پدرت اهورامزدا، بزرگ‌ترین ایزدان، بهترین ایزدان، مادر، سپنتا آرمیتی، برادر، سروش⁽⁷⁾ به اهلائی، نیز رشن⁽⁸⁾ بلند نیرومند و مهر⁽⁹⁾ فراخ چراگاه ده هزار چشم هزار گوش، خواهرت دین⁽¹⁰⁾ مزدیسنی. (بند 16)

او به یاران، همراهان و پرستندگان ثروت، نعمت، جلال و شکوه می‌بخشد. این جلال و شکوه در بندهای 3-14 به زیبایی توصیف شده است. در بندهای 23-52 فهرستی از نام پهلوانان را می‌بینیم که از برای این ایزدبانو قربانی می‌کنند و از او آفتی (=موهبتی) می‌طلبند. این فهرست در یشت‌های دیگر همچون آبان یشت، تیریشت، زامیادیش و... به چشم می‌خورد. هوشنگ پیشدادی، جمشید، فریدون، هوم پهلوان و خسرو از جمله پهلوانان اساطیری هستند که برای ایزدبانو آشی قربانی می‌کنند و از او یاری می‌جویند. آشی ستایش این پهلوانان را می‌پذیرد و به یاری آنان می‌شتابد.

آشی ایزدبانوی باروری نیز به شمار می‌آید، از این رو مردان عقیم، زنان ناپاک، پسران نابرنای و دختران شوی

ناکرده در آیین او جایی ندارند و نباید در مراسم وی شرکت جویند. او بر زنان نفوذ دارد و زنانی که آشی یارشان باشد، سفید بختند. (آموزگار 1386: 30)

در اردیشت آمده است هنگامی که تورانیان آشی را تعقیب می‌کردند، او خود را یکبار زیر پای گاو و بار دیگر زیر گردن قوچی پنهان کرد، اما پسران نابرنای و دوشیزگان شوی نکرده جای او را نشان دادند⁽¹¹⁾. (اوستا، اردیشت، بندهای 57-59)

در پایان یشت هفدهم بر اصول اخلاقی و ارزش بنیان خانواده تأکید می‌شود، آنجا که آشی از سه گروه نزد اهورامزدا گله می‌کند: نخست از زنان ناپاکی که باردار نمی‌شوند، دوم از زنان ناپاکی که به همسر خویش خیانت می‌کنند و سوم از مردان ستمگری که دختران را می‌ربایند و آنان را باردار و سپس رها می‌کنند.

4- یاران و همراهان آشی

آشی با ایزد مهر در ارتباط است. درباره چگونگی این ارتباط می‌پندارند در آغاز به عنوان ایزدبانوی بخت و اقبال می‌بایست از ملتزمین رکاب ایزد جنگ - میثره - بوده باشد. کومون³³ بر این باور است که وی همان فرشته اقبالی است که در پیکره‌های میتراپی دیده می‌شود (بویس 84:1376). در مهریشت - یشت دهم اوستا - آشی با مهر می‌پیوندد و ارابه‌ران او می‌شود. او دستیار مهر است و در توزیع ثروت تخصص دارد. در بند دوم اردیشت چنین آمده است:

«آنکه آشی را با زوهرها⁽¹²⁾ ستایش کند، او مهر را با زوهرها ستایش خواهد کرد.»

از سویی دیگر آشی با سروش³⁴ (فرمانبرداری) از زمان گاهان در ارتباط است. در گاهان سروش به اتفاق بهمن³⁵ (اندیشه نیک) به سوی پرهیزکاران می‌آید و به هنگام پاداش و پادافرا به همراه آشی است. یکی از صفات سروش -a?iuuant است یعنی «دارای آشی» چرا که فرمانبرداری از اهورامزدا پاداش نیک را در پی خواهد داشت. فرمانبرداری و کردار خوب نتیجه اندیشه نیک است و بنابراین، آشی، سروش و بهمن در بسیاری از متنها با یکدیگر در ارتباطند (Skjaervo ۱۹۸۷:۷۵۰). صفت دیگر سروش - a?iia است یعنی «با آشی پیوسته». این صفت نیز بر ارتباط این دو ایزد تأکید می‌کند. در یشت هفدهم سروش برادر آشی خوانده شده است.

از دیگر یاران و همراهان ایزد آشی پاردی³⁶ است. پاردی و آشی غالباً با هم نامیده شده‌اند و وظیفه آنان نزدیک به یکدیگر است. پاردی نیز همچون آشی گاهی اسم مجرد است به معنای پُری، فراوانی و نعمت و گاهی اسم خاص ایزدبانویی است که نگهبانی گنج و ثروت با اوست.

5 - آشی در نوشته‌های پارسی میانه

نام آشی در متون پارسی میانه به صورت‌های ارت³⁷ و ارد³⁸ و به همراه صفتش ونگوهی³⁹، به صورت‌های ارششونگ⁴⁰، اهرشونگ⁴¹، ارشونگ⁴² و اششونگ⁴³ به جا مانده است. در بُنْدَه‌شِس⁽¹³⁾ آمده است: «ارد به همراه

^{۳۳}. Comont

^۲. Srao?a

^۳. Vohumanah

^{۳۴}. Pārendi

^۲. Art

^۳. Ard

آبان، مارسپند، دین و اناهید به یاری و همکاری سپندارمذ که آفریده مینوی اورمزد است، می‌پردازند» (دادگی 1385: 49). در جایی دیگر از همین متن می‌خوانیم: «ارد مینوی پرهیزگاری و بهشتی بودن است. باشد که او را اهرشونگ نیکو، باشد که اششونگ خواند. افزایش فرّه خانمان از اوست. زیرا هرچه به شایستگان دهند توسط او، به افزون، باز به آن خانه رسد. نگهبانی گنج نیکوان را کند. همان گونه که بهشت را نیز نگهبانی کند که خانه مانندی است گوهر نشان» (همان: 115). در برگردان پهلوی یسن 60، بند 4، آشی چنین تفسیر شده است:

«*tuvānīgīh az frārōnīh*» یعنی توانگری که از درستکاری و پارسایی است. (پور داوود 1377: 179)

در متون مانوی ایزدبانو آشی به صورت Bay-ard ظاهر می‌شود. بغ آرد نگاهبان مرز خراسان است: (hwr's'n wymndb'n). در متون سغدی نام آشی به صورت 'rdk و در خوارزمی به صورت 'rjwky آمده است، (یعنی art sūxī). این دو شکل آخر برگرفته از صورت Rti-wahwi* هستند. (Skjaervo ۱۹۸۷: ۷۵۱)

6- آشی در مستندات تاریخی

آشی ایزدبانویی است که در طول تاریخ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تاکنون در هیچ سنگ‌نبشته‌ای نام آشی یافت نشده است. تصویری از او بر نقش برجسته‌ها کنده‌کاری نشده و پرستشگاهی وقف او نشده است. شاید بتوان علت این امر را در محبوبیت و شهرت فراوان ایزدبانو آناهیتا- الهه آب و باروری- جست‌وجو کرد که دیگر ایزدبانوان را تحت الشعاع خود قرار داده بود. آشی به تدریج در برابر شهرت آناهیتا رنگ می‌بازد و به سختی بیرون از محیط روحانی شناخته می‌شود.

در نوشته‌های مورخان یونانی، تنها در روایت پلو تارخ⁴⁴ از دین ایرانی، آنجا که او از ایزد «آفریننده خواسته» سخن می‌راند، رد پای از آشی می‌یابیم. (بنویست 1377: 56)

در دوره پارتی و از زمان سلطنت مهرداد اول، پادشاهان به پیروی از سنت هلنی تصاویر ایزدان را بر سکه‌ها نقش می‌زدند. یکی از این تصاویر از آن ایزدبانویی به نام نیکه⁴⁵ (14) است که بنا بر نظر مری بویس نمایانگر آشی است، همان‌گونه که زئوس⁴⁶، آپولو⁴⁷، دمتر⁴⁸ نمایانگر اهورامزدا، میترا و سپنتا آرمیتی هستند. (بویس 1386: 111). مهرداد اول، فرهاد دوم و فرهاد سوم از جمله پادشاهانی بودند که نقش نیکه را بر سکه‌های خود ضرب کردند.

در سکه‌های سکایی در کنار ایزدانی چون واد⁴⁹، مزد⁵⁰ و میرو⁵¹ تصویر ایزدبانویی را می‌بینیم که ردایی پوشیده و شاخ بزی به نشانه فراوانی در دست دارد. نامش به صورت اردوخش⁵² آمده است و به یقین با

^{۳۹}. Vanuhī

^{۴۲}. Ar'vang

^{۴۴}. Ploūtarxos

^{۳۷}. Apollo

^{۳۹}. Vād

۵. Ar'ī'vang

۸. A'ī'vang

۲. Nike

۵. Demeter

۲. Mazd

۶. Ahri'vang

۳. Zeus

۳. Miro

ایزدبانوی اوستایی بخت، اشی ونگوهی تطبیق می‌کند. همچنین در کاوش‌های فرانسویان در افغانستان مجسمه کوچکی از ایزدبانویی نشسته بر تخت به دست آمده است که احتمالاً تندیس آیینی است. برخی این تندیس را از آن اردوخشش دانند.^{۵۲} (ویدن گرن 1377: 46) گفته می‌شود که اشی ونگوهی همراه با میثره نزد کوشانیان از محبوبیت بسیار برخوردار بوده است. (دوشن گیمن 1385: 259). روی یک سکه کوشانی تصویر زنی دیده می‌شود که زیر آن به یونانی Ardoxsho نوشته شده است. برخی او را همان اشی - اُخشو⁵³، مینوی تقدیر یا مینوی پاداش دانسته‌اند. (هینلز 1379: 73)

وجود این سکه‌ها نشان می‌دهد که ایزدبانو اشی زمانی در خاور از اهمیت خاصی برخوردار بوده است تا جایی که پادشاهان تصویر او را بر سکه‌های خود نقش زده‌اند. آیین این ایزدبانو در باختر ایران نیز رواج داشته است و نام چند تن از آزادگان ایرانی مانند Artimas, Artibole و Artibarzanes شاهد این مدعا است⁽¹⁵⁾. (بنونیست 1377: 112)

نتیجه

آنچه گذشت کوششی بود برای نمایاندن جایگاه اشی در باورهای ایران باستان. این بررسی نشان می‌دهد که اشی را باید ایزدی پیش زردشتی و مینوی پاداش، در دین کهن آریایی دانست. در دوره کافرکیشی پیش از زردشت، اشی به هیچ روی نمایانگر مفهومی اخلاقی نیست، در حالی که در گاهان این واژه منعکس‌کننده مفاهیم عمیق اخلاقی است. اشی در گاهان بیشتر به صورت اسم مجرد به کار رفته است و گاهی مراد از آن همان ایزد دارایی بخش است. یشت هفدهم اوستا یکسره در ستایش او سروده شده است. در این یشت او به عنوان ایزدبانوی زیبا، خوش‌اندام، سودبخش، درمانگر و دوراندیش تصویر شده است که جلال و شکوه دینداران و نیک‌بختی زنان از پرتو اوست. نام او در متون پارسی میانه، مانوی، سغدی و خوارزمی آمده و تصویر او بر سکه‌های پارتی، سکایی و کوشانی نقش بسته است. وجود این آثار ثابت می‌کند که آیین ستایش اشی در زمان‌های کهن در مناطق شرقی ایران رواج داشته است.

پی‌نوشت

- (1) زبانی که کتاب دینی زردشتیان بدان نوشته شده است اوستایی نامیده می‌شود. به جز کتاب *اوستا* و آثار وابسته به آن هیچ اثر دیگری از این زبان در دست نیست. زبان اوستایی زبانی است متعلق به دوره باستان زبان‌های ایرانی. امروزه بیشتر دانشمندان این زبان را به نواحی آسیای میانه متعلق می‌دانند.
- (2) مطالبی که به عنوان کتاب *اوستا* عرضه شده است دارای زبانی یکدست نیست. برخی از بخش‌ها سبکی کهنه‌تر دارد و از نظر دستوری دارای زبانی است که با قواعد دستوری صحیح *اوستا* بیشتر مطابقت دارد. در برابر، در برخی بخش‌ها

^{۵۲}. Ardvox?

۵. Ashi-oxsho

قواعد دستوری چندان مراعات نشده است. از این نظر، *اوستا* به دو بخش *اوستای کهن* یا *اوستای گاهانی* و *اوستای متأخر* یا *جدید تقسیم* می‌شود.

(3) واژه *یشت* در زبان فارسی بازمانده واژه *اوستایی* -*ya?tay* است که «پرستش و ستایش ایزدان با خواندن دعاها و برگزار کردن مراسم قربانی» معنی می‌دهد. *یشت*ها در اصطلاح نام بخشی از کتاب *اوستاست* و به مجموعه سرودهایی اطلاق می‌شود که در بزرگداشت و ستایش ایزدان کهن ایرانی سروده شده است. *یشت* هفدهم که در وصف ایزدانو اشی سروده شده است «ردیشت» نام دارد.

(4) *وداها* کهن‌ترین اثر هندی به زبان سنسکریت است و خود چهار کتاب را شامل می‌شود: *ریگ ودا* (Rigveda)، *یاجورودا* (Yajurveda)، *سامه ودا* (Samaveda) و *اثر ودا* (Atharvaveda)

(5) *متون گاهانی* شامل *گاهان* (یا چنان‌که در فارسی مصطلح شده *گات‌ها* یا *گاتاها*)، *یسن هفت‌ها* و *چهار دعای مذکور* در *یسن 27* است. *گات‌ها* سروده خود زردشت و دربردارنده مفاهیم اخلاقی و آموزه‌های بنیادین دین زردشتی است.

(6) *آرمیتی*، *سپنتا آرمیتی* یا *سپندارمذ* به معنی *اخلاص* و *بردباری مقدس* است. او دختر *اهورامزدا* و ایزدبانوی زمین است.

(7) *واژه سروش* تحت‌اللفظی به معنای *فرمانبرداری* است. او از ایزدان بزرگ زردشتی است که *وظیفه اصلی* اش *مراقبت از نظم جهان مادی* است.

(8) *رشن ایزدی* است که *قضاوت اعمال مردم* در آن جهان با *اوست*. وی در *بندهش* با *صفت «بدون خواب»* توصیف شده است.

(9) *مهر ایزدی* است که *وظیفه اصلی* اش *نظارت بر پیمان‌هاست*. *مهر*، *سروش* و *رشن* به *منزله سه قاضی‌اند* که *اعمال مردمان* را پس از *مرگ* می‌سنجند.

(10) *دین ایزدبانویی* است که *مظهر وجدان* است و به *آدمیان نیرو* می‌دهد که *راه اهورایی* را برگزینند.

(11) این *اسطوره* در *هیچ کجای اوستا* و *متون پهلوی* نیامده است. *گرچه معنای دقیق آن مشخص نیست*، اما به *گونه‌ای* بر *تنفر ایزدبانو اشی* از *پسران نابرنا* و *دختران شوی* نکرده تأکید می‌کند.

(12) *دونوع زوهر* (Zōhr) وجود دارد؛ یکی «آتش زوهر» و دیگری «آب زوهر». *آتش زوهر* عبارت است از *پیه دمبه* *گوسفند* که در *موارد خاص* به *آتش مقدس* تقدیم می‌کنند. «آب زوهر» نیز *مخلوطی* است از *شیر* و *شیره گیاه هوم* که در *مراسم یسنه* به *آب تقدیم* می‌شود.

(13) *بندهش* کتابی است به زبان پارسی میانه که *تاریخ اساطیری* و *واقعی ایرانیان* را از *دوره پیشدادیان* تا *رسیدن تازیان* دربردارد.

(14) *نیکه* در *یونان ایزدبانوی پیروزی* است. او را به *صورت موجودی بالدار* تصویر می‌کنند.

(15) نام این *آزادگان ایرانی* در *کتاب‌های تاریخی* آمده است و *همگی متعلق* به *ایران غربی* اند.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله. 1386. *تاریخ اساطیری ایران*. چ 9. تهران: سمت.
- بنونیست، امیل. 1377. *دین ایرانی بر پایه متن‌های معتبر یونانی*. ترجمه بهمن سرکاراتی. چ 3. تهران: قطره.
- بویس، مری. 1386. *زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها*. ترجمه عسکر بهرامی. چ 9. تهران: ققنوس.
- _____ . 1376. *تاریخ کیش زردشت*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. ج 1. چ 1. تهران: توس.
- _____ . 1377. *چکیده تاریخ کیش زردشت*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. چ 1. تهران: صفی‌علیشاه.
- بهار، مهرداد. 1381. *پژوهشی در اساطیر ایران*. چ 4. تهران: آگاه.
- پور داوود، ابراهیم. 1377. *یشت‌ها*. ج 2. چ 1. تهران: اساطیر.
- تفضلی، احمد. 1376. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. چ 3. تهران: سخن.
- دادگی، فرنبح. 1385. *بندهش*. گزارنده مهرداد بهار. چ 3. تهران: توس.
- دوشن‌گیمین، ژ. 1385. *دین ایران باستان*. ترجمه رویا منجم. چ 2. تهران: علم.
- شایگان، داریوش. 1383. *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*. چ 1. چ 5. تهران: امیرکبیر.
- کریستن‌سن، آرتور. 1382. *مزدایرستی در ایران قدیم*. ترجمه ذبیح‌الله صفا. چ 5. تهران: هیرمند.
- کلنز، ژان. 1386. *مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی*. ترجمه حمیدرضا قائم‌مقامی. چ 1. تهران: فرزانه.
- ویدن‌گرن، گنو. 1377. *دین‌های ایران*. ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ. چ 1. تهران: آگاهان‌ایده.
- هینلز، جان. 1379. *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ 6. تهران: چشمه.
- _____ . 1386. *فرهنگ ادیان جهان*. چ 1. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

منابع انگلیسی

- Baily, H.W. ۱۹۷۱. *Zoroastrian Problems in the Nith-Century Books*. Oxford: clarendon press.
- Bartholomae, C. ۱۹۷۶. *Altriranisches wortebuch*. Berlin: Walter de Gruyter & co.
- Humbach, Helmut. ۱۹۹۴. *the heritage of zarathashtira*. Heidel Berg: pallani chaporia.
- Insler, S. ۱۹۷۵. *The Gathas of Zarathustra*. Acta Iranica (۸. Leiden: E. J. Brill.)
- Kellens, Jean. ۱۹۹۹. "A?i ou le Grand Départ". *Journal Asiatique*. ۲۸۷. ۲. Paris.
- Skjaervo, P.O. & Schlerath, Bernfried. ۱۹۸۷. "A?i". *Encyclopaedia Iranica*. vol II. London.